

■ سفر به لبنان

محمد علی مهتدی

چهل نفر از خبرنگاران و اصحاب جراید استانی و محلی، در یک پروژه آموزشی فرهنگی جهت اطلاع از وضعیت رسانه‌ها و مطبوعات در لبنان و ملاقات با هم‌تایان لبنانی خود، توسط معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شدند و در چهار گروه ده‌نفری، از کشور لبنان بازدید کردند. این سفرها در اسفند ۸۳ و نیز در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد سال ۸۴ انجام گرفت.

مدت هر دوره برای هر گروه، هشت روز بود و در این مدت، روزنامه‌نگاران ایرانی علاوه بر دیدار از بیروت و دیگر جاهای دیدنی لبنان، از دوروزنامه مهم (النهار و السفير)، دو شبکه تلویزیون ماهواره‌ای (LBC و المنار)، سندیکای مطبوعات و سندیکای روزنامه‌نگاران، وزارت اطلاع‌رسانی لبنان و بخش‌های مختلف آن بازدید کردند. همچنین حومه شیعه‌نشین بیروت و اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شتیلا و تعدادی از اماکن مذهبی و تاریخی مسیحی و اسلامی مورد بازدید قرار گرفت. یک روز نیز به بازدید از جنوب لبنان و مناطق آزاد شده از اشغال ارتش صهیونیستی، پایگاه‌های مقاومت و خط مرزی اختصاص یافت.

بیروت

لبنان به دلیل موقعیت ویژه و بافت خاص اجتماعی‌اش، پیوسته پلی بین شرق و غرب بوده و در زمینه آزادی‌گردش اطلاعات و آزادی مطبوعات، تاریخچه درخشانی دارد. پایتخت این کشور،

شهر بیروت همچون نگینی در ساحل مدیترانه می‌درخشد. شهری که شانزده سال دستخوش جنگ داخلی و حملات مکرر ارتش اسرائیل بوده امروز همچون پرنده افسانه‌ای، ققنوس، از میان خاکستر دوباره جان می‌گیرد و پرواز می‌کند. صخره‌های معروف در ساحل روزه که همچنان سمبل زیباییهای لبنان محسوب می‌شود، از نخستین جاهایی است که توجه گردشگران را به خود جلب می‌کند. اندکی دورتر، بولوار ساحلی مناره، جایی است که مردم برای گردش و پیاده روی به آنجا می‌روند. اندکی توقف در این بولوار، فرصتی است نه فقط برای تماشای امواج مدیترانه، بلکه تأمل در لباس و رفتار انسانهایی با مذاهبها و مشربهای گوناگون که تحمل یکدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز را به خوبی پذیرفته‌اند.

هرچند آثار شانزده سال جنگ داخلی همچنان در برخی ساختمانها به چشم می‌خورد اما تلاش کم‌نظیری برای بازسازی صورت گرفته است. این تلاش در همه جا به ویژه در بخش مرکزی بیروت که بیشترین خرابیها به بار آمده نمایان است. این منطقه بین دو بخش شرقی و غربی بیروت، سالهای متمادی صحنه زدوخوردهای سهمگین بین گروههای رقیب بوده و به کلی ویران شده؛ اما ظرف پانزده سال که از پایان جنگ و امضای موافقتنامه طائف می‌گذرد، ساختمانها به همان شکل سابق بازسازی شده‌اند؛ زیبایی خیره‌کننده‌ای که نتیجه آمیزش سنت و مدرنیسم است.

اینجا میدان ستاره است. جلوی ساختمان پارلمان لبنان با یک برج ساعت در وسط میدان و شش خیابان که از این میدان منشعب می‌شوند و شکل ستاره را می‌سازند. تا حدود زیادی شبیه میدان اتوال پاریس و الهام گرفته از آن. اما وجود پارلمان و تدابیر امنیتی مانع از آن نمی‌شود که انبوه مردم و گردشگران در این میدان و خیابانهای اطراف آن، به ویژه در اوقاتی که پارلمان جلسه ندارد، رفت‌وآمد کنند. ممنوعیت عبور و مرور خودروها در این خیابانها باعث شده که سطح خیابان و پیاده‌روها در اختیار تعداد زیادی از رستورانها قرار گیرد؛ درست مانند پیاده‌روهای خیابان شانزده لیزه پاریس و این همچنان نشانگر تأثیر حضور فرانسویها در لبنان پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی است. در همین منطقه دو میدان معروف جلب نظر می‌کند: میدان ریاض الصلح، اولین نخست‌وزیر مسلمان لبنان پس از استقلال در ۱۹۴۳. در گوشه‌ای از میدان ساختمان زیبای نخست‌وزیری و در گوشه دیگر ساختمان نمایندگی سازمان ملل متحد وجود دارد. بیشتر ساختمانهای دولتی و مراکز مهم تجاری در این منطقه واقع شده‌اند. و پس از آن میدان بزرگ معروف به میدان برج یا میدان شهدا که تاریخ معاصر لبنان را در حافظه خود جای داده است. در

یک سو کلیسای مسیحی و در کنار آن مسجد اسلامی نشان بارزی از همزیستی پیروان دو دین بزرگ است.

در گوشه‌ای از صحن همین مسجد، آقای رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان که حدود یک ماه پیش از آغاز بازدید هیأت‌های ایرانی از لبنان ترور شد، به خاک سپرده شده و مقبره وی، غرق در گل، به صورت یک مزار سیاسی برای جناح‌های مخالف دولت در آمده است. ترور آقای حریری بهانه‌ای برای دخالت آمریکا و فرانسه در لبنان شد که به تحولات عمیقی در صحنه سیاسی لبنان منجر گردید. بازدید از این مکان توسط هیأت‌های مطبوعاتی ایرانی، فرصتی بود برای پیگیری و مطالعه این تحولات که در جای خود از اهمیت خاصی برخوردار بود.

روزنامه النهار

در ضلع شمال غربی میدان شهدا، ساختمان بلند روزنامه معروف النهار به چشم می‌خورد که مورد بازدید روزنامه‌نگاران ایرانی واقع شد؛ قدیمی‌ترین روزنامه لبنان که تأسیس آن به سال ۱۹۳۳ یعنی حدود ۷۰ سال قبل برمی‌گردد. سردبیر روزنامه شخصیت معروف مطبوعاتی و سیاسی لبنان، غسان تویینی است. با آن که از النهار پیوسته به عنوان روزنامه مستقل لبنان (در مقابل روزنامه‌های وابسته به احزاب و جریان‌های سیاسی) یاد شده اما واضح است که این روزنامه منعکس‌کننده افکار مواضع جناح راست مسیحی لبنان است. آقای ادمون صعب، سردبیر اجرایی روزنامه که با روزنامه‌نگاران ایرانی به گفت‌وگو می‌نشیند این مطلب را قبول ندارد و تأکید می‌کند که النهار، خط مبارزه برای استقلال و آزادی لبنان را دنبال کرده و می‌کند و به جایی وابسته نیست. ملاقات در سالن شورای سردبیری یا اتاق تیترا که مجهز به آخرین پدیده‌های تکنولوژی ارتباطات است انجام می‌گیرد و آقای ادمون صعب طی جلسه‌ای دو ساعته مطالب ریز و درشت فراوانی را درباره فن روزنامه‌نگاری همراه با تجربه‌های ارزشمندی که طی دهها سال کار مطبوعاتی گرد آورده با مهمانان ایرانی در میان می‌گذارد.

روزنامه السفير

روزنامه معروف دیگری که مورد بازدید قرار می‌گیرد، روزنامه السفير است که شاید بتوان آن را نقطه مقابل یا رقیب روزنامه النهار دانست، چرا که از بدو تأسیس در ۱۹۷۴ از یک خط‌مشی انقلابی در چارچوب ملی‌گرایی عربی پیروی کرده و در یک کلمه خود را روزنامه مقاومت می‌خواند،

مقاومت در لبنان، فلسطین و در دیگر کشورهای منطقه شعار روزنامه نمایشگر خط سیاسی آن است. «السفیر صدای کسانی است که صدایشان به جایی نمی‌رسد. ویا السفیر، صدای لبنان در جهان عرب و صدای جهان عرب در لبنان است».

آقای طلال سلمان، مؤسس و صاحب امتیاز روزنامه، گروهی از مهمانان ایرانی را به گرمی می‌پذیرد و با وجود مشغله فراوان به‌ویژه در شرایط آکنده از تنشهای سیاسی، طی یک جلسه دو ساعته، به تفصیل پیرامون تحولات منطقه و طرحهای آمریکایی و اسرائیلی و مقاومت در برابر این طرحها، سخن می‌گوید و به پرسشهای مهمانان پاسخ می‌دهد.

در دیگر جلسات کاری، مهمترین شخصیت‌های این روزنامه با مهمانان ایرانی به گفت‌وگو می‌پردازند؛ از جمله آقای ژوزف سماحه، سردبیر و دکتر زهیر هواری، عضو مهم شورای سردبیری در این جلسات، مفصلاً پیرامون چارچوب تشکیلاتی روزنامه، بخشهای مهم، خط‌مشی‌ها، راهکارها و مشکلات سخن به میان می‌آید و سپس بازدید سریعی از بخشهای مختلف. فعالیت اصلی از پنج بعدازظهر شروع می‌شود و تا ساعتی بعداز نیمه شب به اوج می‌رسد. سحرگهان روزنامه به چاپخانه می‌رود و سپس نسخه‌های چاپی تحویل سیستم توزیع می‌شود تا با آغاز روز، روزنامه در سراسر لبنان در دسترس خوانندگان قرار گیرد.

روزنامه البلد

علاوه بر این دو روزنامه، یک گروه از مهمانان ایرانی از روزنامه دیگری با حال و هوایی دیگر بازدید می‌کنند؛ روزنامه البلد که در سالهای اخیر ظاهراً به همت سرمایه‌داران کویتی و لبنانی تأسیس شده و بیشتر به سبک روزنامه‌های کویت و قطر عمل می‌کند. روزنامه‌ای است جنجالی با بخشهای مختلف و پرخرج. آقای بشاره شربل، سردبیر روزنامه که به همه چیز با دید انتقادی می‌نگرد، بیش از هر چیز روی سیستم توزیع روزنامه توسط صدها ویزیتور برای جذب اشتراک تأکید می‌کند. روزنامه برای مدتی به‌طور رایگان پخش می‌شود و بعداً به شکل تک‌فروشی و اشتراک. البلد، از راههای مختلف سعی در جذب خواننده دارد و یکی از آنها دادن خودروهایی جدید و گران‌قیمت به خوانندگان به عنوان جایزه از طریق قرعه‌کشی ماهانه است. در همین ساختمان نشریه دیگری به نام الوسیط قرار دارد که نشریه آگهی و نیازمندی‌هاست و هر هفته با تیراژی در حدود ۳۰۰ هزار نسخه به‌طور رایگان در لبنان توزیع می‌شود. مدیر لبنانی نشریه توضیح می‌دهد که الوسیط یک

نشریه منطقه‌ای است که در مصر، اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای منطقه منتشر می‌شود و بیشتر یک پروژه موفق تجاری است.

سندیکاها

لبنان کشور سندیکاها، انجمنها و اتحادیه‌های صنفی است و از این نظر نیز در منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. در زمینه مطبوعات نیز دو سندیکای مهم وجود دارد: یکی سندیکای مطبوعات که از صاحبان روزنامه‌ها تشکیل شده و دیگری سندیکای نویسندگان که مخصوص روزنامه‌نویسان است.

گروه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در سفرهای خود به لبنان، از هر دو سندیکا بازدید کردند.

سندیکای مطبوعات

سندیکای مطبوعات لبنان یکی از قدیمی‌ترین سندیکاها در لبنان است که سابقه فعالیت آن حتی به پیش از استقلال لبنان در ۱۹۴۳ برمی‌گردد. رئیس کنونی سندیکا، آقای محمد بعلبکی، که خود از ارباب جراید و روزنامه‌نگاران قدیمی است، با گشاده‌رویی از روزنامه‌نگاران ایرانی استقبال و سعی می‌کند به زبان فارسی به آنها خوش آمد بگوید.

در این دیدارها، آقای بعلبکی مفصلاً از تجربیات شخصی خود در زمینه فعالیت مطبوعاتی، تاریخچه فعالیت سندیکا، مسائل حقوقی و قانونی و مسأله آزادی بیان صحبت می‌کند و به سؤالات مهمانان پاسخ می‌دهد. مشخص می‌شود که طبق قانون، در لبنان، پروانه جدید برای روزنامه‌های سیاسی داده نمی‌شود و اگر کسی بخواهد یک روزنامه سیاسی جدید منتشر کند باید پروانه مورد نیاز را از بازار آزاد با قیمتی گزاف یعنی بین ۳۰۰ هزار تا یک میلیون دلار بخرد؛ زیرا در لبنان امتیاز روزنامه ملک شخصی صاحب امتیاز است و با عدم انتشار روزنامه، امتیاز از بین نمی‌رود. به همین دلیل روزنامه‌های سیاسی بسیاری هستند که منتشر نمی‌شوند و امتیاز آنها قابل خرید و فروش است.

یک نسخه از قانون مطبوعات لبنان که در سال ۱۹۶۲ تدوین و تصویب شده و در سالهای بعد مرتباً مورد بازنگری و تعدیل قرار گرفته، بین مهمانان توزیع می‌شود تا در فرصت مناسب آن را مطالعه کنند.

سندیکای روزنامه نویسان

در کنار سندیکای مطبوعات، یعنی سندیکای صاحبان جراید، «سندیکای روزنامه‌نگاران» قرار دارد که تجمعی برای حمایت از نویسندگان مطبوعات است. رئیس این سندیکا آقای ملحم کرم Melhem Karam خود صاحب یک مؤسسه بزرگ مطبوعاتی به نام «الف لیده و لیده» (هزارویک‌شب) در قلب منطقه مسیحی نشین اشرفیه در شرق بیروت است که علاوه بر روزنامه البیرق، سه مجله نیز منتشر می‌کند: الحوادث، به زبان عربی – ماندی مورینگ Monday Morning به انگلیسی و «لاریو و دولیان» La Revue de Liban به زبان فرانسه. وی نسخه‌ای از همه این نشریات را به روزنامه‌نگاران ایرانی هدیه می‌کند. کرم که از دیدار هیأت‌های ایرانی بسیار خوشحال می‌نماید، به گرمی خوش آمد می‌گوید و رشته بحث را به یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکا یعنی آقای ژوزف قصفی، از روزنامه‌نگاران کهنه‌کار می‌سپارد. قصفی که یکی دو بار به ایران سفر کرده، با حوصله زیاد درباره وضعیت روزنامه‌نگاران لبنان و حمایت‌هایی که سندیکا از آنان به عمل می‌آورد توضیح می‌دهد: شرایط عضویت، تعداد اعضا، خدمات سندیکا به اعضا، آیین‌نامه انتخابات داخلی و چندین عنوان دیگر مورد بحث قرار می‌گیرد و سؤالات زیادی مطرح می‌شود. اما دو نکته را آقای قصفی مورد تأکید قرار می‌دهد: نخست آن‌که هیچ روزنامه‌نگاری به جرم مطبوعاتی بازداشت و زندانی نمی‌شود و در صورت احضار روزنامه‌نگار به دادگاه مطبوعات، رئیس سندیکا و یکی از وکلای سندیکا، وی را در دادگاه همراهی می‌کنند و در صورت محکومیت، دادگاه به جریمه نقدی اکتفا می‌کند. نکته دوم، این تنها سندیکایی است که در سخت‌ترین شرایط جنگ داخلی به فعالیت خود ادامه داده و حتی انتخابات داخلی را هم برگزار کرده است.

در این دیدارها، روزنامه‌نگاران ایرانی نیز درباره اوضاع مطبوعات ایران مطالبی را برای طرف لبنانی بازگو می‌کنند و آقای قصفی فعالیت گسترده روزنامه‌نگاران ایران به ویژه فعالیت زنان را در این زمینه تحسین می‌کند.

باشگاه مطبوعات

علاوه بر این دو سندیکا، باشگاهی نیز به همت عده‌ای از روزنامه‌نگاران در مرکز بیروت تأسیس شده که بیشتر «پاتوقی» است برای گردهمایی و تبادل نظر و برگزاری برخی از مصاحبه‌های مطبوعاتی. برای گروهی از روزنامه‌نگاران ایرانی فرصتی برای بازدید از این باشگاه نیز دست می‌دهد.

مدیر باشگاه، آقای یوسف الحویک Howayk از پیش تعدادی از همکاران خود را برای ملاقات با ایرانیان آماده کرده است. جلسه معارفه و تبادل نظر به شکل یک حلقه بحث و تا حدود زیادی خودمانی تشکیل می‌شود و این بار دو طرف وارد ریز مسائل حرفه‌ای می‌شوند و از هر دری سخنی به میان می‌آید، اما فرصت کم است چون یک نماینده استرالیایی که برای مأموریتی به لبنان آمده، یک مصاحبه مطبوعاتی در این باشگاه تشکیل می‌دهد تا دیدگاهها و برداشتهای خود را به اطلاع روزنامه‌نگاران لبنانی برساند.

شبکه‌های تلویزیون

علاوه بر دهها روزنامه سیاسی، حدود ۱۰ شبکه تلویزیون ماهواره‌ای نیز در لبنان وجود دارد که به جز یکی، بقیه متعلق به بخش خصوصی هستند و شبکه LBC و المنار از مهمترین این شبکه‌ها برای بازدید روزنامه‌نگاران ایرانی انتخاب شده‌اند: ال.بی.سی (LBC) وابسته به جناحهای مسیحی و المنار وابسته به حزب الله لبنان. طبق برآوردها، این دو شبکه که در دو نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، پربیننده‌ترین شبکه‌های لبنانی چه در داخل و چه در خارج محسوب می‌شوند.

بازدید از LBC

بازدید از شبکه LBC یا بنگاه سخن‌پراکنی لبنان Lebanese Broadcasting Corporation در شهر مسیحی نشین ادما Adma در شمال بیروت فرصتی است برای روزنامه‌نگاران ایرانی تا از عمق مناطق مسیحی نشین دیدن کنند و با فرهنگ آنان آشنا شوند. آقای ایلی حرب، مدیر اخبار شبکه از مهمانان ایرانی استقبال می‌کند و تا رسیدن به سالن اجتماعات، همه بخشهای شبکه به ویژه اطاق اخبار، و استودیوهای پخش خبر زمینی و ماهواره‌ای را که به پیشرفته‌ترین دستگاهها مجهز هستند، به بازدیدکنندگان نشان می‌دهد.

ال.بی.سی از آن جهت اهمیت دارد که نخستین شبکه خصوصی لبنان است که تأسیس آن به دهه ۸۰ میلادی قرن گذشته برمی‌گردد. اساساً این شبکه را جناح نظامی حزب فالانژ به منظور استفاده از آن در تبلیغات جنگ داخلی دایر کرد. اما پس از پایان جنگ و امضای توافق طائف این شبکه به یک شرکت خصوصی تبدیل شد.

ایلی حرب تأکید می‌کند که مهمترین معیار در کار LBC جذب بیننده و دستیابی به سود بیشتر

تجاری است. وی نمی پذیرد که LBC یک شبکه مسیحی است و به حضور تعداد کمی کارکنان مسلمان در آن اشاره می کند اما کسی که سیاستهای این شبکه را دنبال می کند خیلی زود در می یابد که LBC همچنان منعکس کننده مواضع سیاسی جناح مسیحی لبنان است. بخشهای خبری و تحلیلی LBC بسیار غنی و پربیننده است. این شبکه در بخش ماهواره ای خود با روزنامه معروف الحیات که با سرمایه عربستان سعودی در لندن و همزمان در بیروت، جدّه و دبی منتشر می شود، قرارداد همکاری خبری امضا کرده که به موجب آن، روزنامه الحیات تمامی اخبار و تحلیلها و گزارشهای خبرنگاران خود را در اختیار LBC می گذارد، در مقابل LBC، لوگوی الحیات را روی میکروفونها و بخشهای خبر ماهواره ای خود قرار می دهد. طی دو ساعت گفت و گو، مسائل و مطالب متنوعی پیرامون فعالیت رسانه ای مطرح می شود و آقای ایلی حرب با حوصله فراوان به سؤالات مهمانان پاسخ می گوید و در پایان آنان را تا در خروجی بدرقه می کند.

بازدید از کلیسای حریصا

دیدار از شبکه LBC فرصتی است که گروه روزنامه نگاران ایرانی در چارچوب فعالیتهای فرهنگی از کلیسای حضرت مریم که در همان نزدیکی واقع شده نیز دیدن کنند. این کلیسا بیش از صدسال قدمت دارد و روی قله کوهی مشرف بر شهر جونیه و خلیج زیبای آن، از موقعیت بسیار جذابی برخوردار است و همین باعث می شود که علاوه بر نمازگزاران این منطقه، عده بسیاری از گردشگران نیز به تماشای این کلیسا بروند.

جاده ماریچی از میان جنگل کوهستانی می گذرد. عده ای با تله کابین خود را به کلیسا می رسانند. در وسط محوطه، مجسمه بزرگی از حضرت مریم روی پایه ای ماریچی جلب نظر می کند. زیر مجسمه نمازخانه کوچکی است برای نماز انفرادی و تأمل. سالن بزرگ اصلی در گوشه دیگری با معماری مدرن قرار دارد. محیطی آرام و دلچسب که ویژگی آن سکوت و تأمل است. تماشای شهر جونیه و جاده ساحلی از آن ارتفاع بسیار دل انگیز است بیشتر نمازگزاران در این کلیسا دختران و پسران جوان هستند و این نشانه گسترش دینداری در نسل جوان لبنان است که به رغم تماس مستقیم با تمدن غرب، خود را از معنویت دینی بی نیاز نمی بیند. در لبنان به دلیل همزیستی ادیان و مذاهب، پیروان هر دین، اطلاعاتی نیز از دین دیگر دارند

و با فرهنگ یکدیگر آشنا هستند و همین امر برای روزنامه‌نگاران ایرانی جالب به نظر می‌رسد. بسیاری از اعضای گروههای مطبوعاتی در دیدار از لبنان تأکید می‌کنند که تصویری که قبل از سفر از لبنان در ذهن داشته‌اند با آنچه مشاهده می‌کنند بسیار متفاوت بوده و اکنون دید دیگری نسبت به لبنان و مسائل آن پیدا کرده‌اند.

تلویزیون المنار

دومین شبکه تلویزیونی که مورد بازدید قرار می‌گیرد، شبکه المنار است وابسته به حزب الله لبنان و واقع در قلب حومه شیعه‌نشین بیروت، منطقه‌ای با خیابانها و کوچه‌های تنگ و باریک، ساختمانهای بلند با تراکم جمعیتی بسیار بالا و امکانات شهری و زیربنایی اندکی که تناسبی با این جمعیت ندارد. ساکنان این منطقه اغلب در طول پنجاه سال گذشته از جنوب لبنان یا از منطقه بقاع و بعلبک در شرق این کشور، برای کار به پایتخت آمده و در حومه آن ساکن شده‌اند بسیاری از جنوبیها نیز در دهه‌های قبل به دلیل بمبارانها و تجاوزات مکرر اسرائیل در حالت آوارگی به این منطقه کوچ کردند. شعارهای اسلامی و وجود عکسهای بزرگی از رهبر انقلاب اسلامی ایران در این منطقه نمایشگر تأثیر انقلاب در مسلمانان لبنان به ویژه شیعیان این کشور است.

در ساختمان المنار که رفت و آمد بدان در چارچوب تدابیر حفاظتی خاصی صورت می‌گیرد، مهمانان ایرانی با مدیر شبکه و مسئولان روابط عمومی ملاقات و گفت‌وگو می‌کنند. المنار زبان مقاومت است، چه در لبنان و چه در فلسطین؛ و بینندگان زیادی در داخل و خارج لبنان دارد. در عین حال فعالیت اطلاع‌رسانی این شبکه به روشی صورت می‌گیرد که بسیار تأثیرگذار است. به همین دلیل محافل صهیونیستی حملات شدیدی را علیه المنار در اروپا و امریکا آغاز کرده‌اند.

طی این مدت از بخشهای مختلف به ویژه اتاق اخبار و استودیوهای ضبط و پخش بازدید می‌شود. شبکه المنار علاوه بر برنامه‌های خبری و تحلیل سیاسی، برنامه‌های سرگرمی مختلفی نیز برای مخاطبان دارد و به نظر می‌رسد که المنار در عین حفظ مرزهای دینی و اخلاقی توانسته است برنامه‌های متنوع دیگری نیز که از نظر فنی و حرفه‌ای در سطح بالایی قرار دارند به بینندگان خود ارائه کند.

صبرا و شتیلا

نام دو اردوگاه فلسطینی صبرا و شتیلا در همه جا نام آشنایی است و این به دلیل قتل عام وحشیانه‌ای است که مزدوران رژیم صهیونیستی در حمله سرائیل به لبنان و اشغال بیروت در سال ۱۹۸۲ در این دو اردوگاه مرتکب شدند.

این دو اردوگاه بین بیروت و حومه آن واقع شده و هزاران خانواده فلسطینی با شرایط بسیار ناگواری در اینجا به سر می‌برند. در اینجا تصاویر سخن می‌گویند و نیازی به توضیح نیست فقر، آلودگی، انبوه زباله‌ها، خانه‌های ساخته شده از بلوک سیمانی و با سقف حلبی، سالخوردگانی که خاطرات زندگی آبرومندانه گذشته در فلسطین را در ذهن خود مرور می‌کنند و هنوز رویای بازگشت به فلسطین را رها نکرده‌اند و بالاخره کودکان و نوجوانانی که هیچ امکانی برای تحصیل و کار ندارند و به آینده‌ای نامعلوم چشم دوخته‌اند.

وزارت اطلاع‌رسانی

پس از بازدید روزنامه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و سندیکاهای مطبوعاتی، که همه غیردولتی هستند، بازدید از بخش دولتی یعنی وزارت اطلاع‌رسانی لبنان ضروری می‌نماید؛ به ویژه بخشی در این وزارتخانه هست به نام «شورای عالی رسانه‌ها» که به نظر می‌رسد از اهمیت خاصی برخوردار است. آقای عبدالهادی محفوظ، رئیس «شورای عالی رسانه‌ها» با فروتنی و علاقه فراوان با روزنامه‌نگاران ایرانی به گفت‌وگو می‌نشیند. وی که خود صاحب روزنامه است و بارها به ایران نیز سفر کرده، در بخشی از این دیدار به بحث درباره مطبوعات لبنان می‌پردازد. اما شورای عالی رسانه‌ها وظیفه‌اش تنظیم فعالیت رسانه‌های دیداری یعنی شبکه‌های تلویزیونی است.

محفوظ توضیح می‌دهد که وزارت اطلاع‌رسانی و شورای رسانه‌ها، سلطه‌ای روی شبکه‌های تلویزیونی ندارد زیرا هر یک از این شبکه‌ها از سوی یک جناح سیاسی حمایت می‌شود. با این حال شورا از طریق جلسات متعدد و ارتباط مستقیم با رسانه‌های دیداری، آیین‌نامه‌هایی تهیه کرده که همگان خود را ملزم به رعایت آن نموده‌اند، هر چند این مسائل جنبه قانونی به خود نگرفته و لذا ضامن اجرایی ندارد.

آن‌گاه مفصلاً درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در لبنان سخن می‌گوید و به سؤالات پاسخ می‌دهد. بخشی دیگر از این جلسه نیز به بحث درباره تحولات جاری در لبنان و منطقه

می‌گذرد و آقای محفوظ به عنوان یک صاحب‌نظر، این تحولات را مورد تحلیل دقیق قرار می‌دهد. ملاقات با وزیر اطلاع‌رسانی نیز در دستور کار قرار دارد. آقای شارل رزق، وزیر اطلاع‌رسانی با گشاده رویی تمام با روزنامه‌نگاران ایرانی دیدار می‌کند و به آنها خوشامد می‌گوید. وی بیش از هر چیز روی گسترش روابط دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و لبنان در زمینه‌ها و سطوح مختلف تأکید می‌کند و به تبادل نظر با مهمانان در مورد اوضاع رسانه‌ها در دو کشور می‌پردازد و به سؤالات پاسخ می‌دهد. وزیر لبنانی نیز این‌که زنان ایران در موقعیت مدیر مسئولی یا سردبیری روزنامه‌ها قرار دارند، ابراز شگفتی و در عین حال خوشحالی می‌کند.

در نیم‌روزی که به بازدید از وزارت اطلاع‌رسانی می‌گذرد، بخش‌های دیگر این وزارتخانه یعنی خبرگزاری ملی، رادیوی دولتی و مرکز پژوهش‌ها نیز مورد بازدید قرار می‌گیرد.

در خبرگزاری مهمانان ایرانی از روند فعالیت، منابع خبری، ویراستاری خبر و پخش آن از طریق اینترنت و بولتن خبری مطلع می‌شوند. در پخش رادیو مشخص می‌شود که اکثر دستگاه‌های فنی بسیار قدیمی هستند و دولت لبنان کار نوسازی این بخش را با تخصیص بودجه آغاز کرده است. و بالاخره در بخش پژوهش‌ها آقای صلاح اشمر از عدم توجه کافی به این بخش گل‌مند است و نمونه‌هایی از پروژه‌های علمی انجام شده را به رسم هدیه به مهمانان ایرانی تقدیم می‌کند.

دیدار از سفارت جمهوری اسلامی ایران

سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت با توجه به نفوذ ایران در لبنان و حساسیت اوضاع این کشور، از اهمیت خاصی برخوردار است. گروه‌های مطبوعاتی ایران به دعوت آقای مسعود ادریسی سفیر وقت ایران در لبنان، از سفارت بازدید می‌کنند و ناهار را مهمان سفارت هستند.

تدابیر حفاظتی و امنیتی ساختمان و محیط سفارت چشمگیر است و نشان‌دهنده حساسیت اوضاع است. به‌ر حال اینجا خانه ایرانیان است و روزنامه‌نگاران مایلند برداشتهای خود را از اوضاع با آنچه در سفارت می‌شنوند مقایسه کنند. این مقایسه نشان می‌دهد که برداشتها تا حدود زیادی دقیق بوده‌اند.

دیدار با سفیر و یا معاون وی آقای حمیدرضا دهقان در محیطی بسیار صمیمی صورت می‌گیرد و طبق معمول بحث پیرامون مطبوعات لبنان از یک سو، و تحولات اخیر در صحنه این کشور است. آقای حسین صلواتی، رایزن مطالعاتی و آقای توفیق صمدی مسئول بخش مطبوعات نیز

به جمع می‌پیوندند و این بحثها و تبادل نظرها تا صرف ناهار و بعد از آن ادامه می‌یابد. پس از مدتی خوردن غذاهای لبنانی، بازگشت به غذاهای ایرانی در جای خود دلچسب است.

منطقه شوف

از جمله مناطقی که مورد بازدید روزنامه‌نگاران ایرانی قرار گرفت، منطقه شوف در کوهستانهای جنوب شرقی بیروت بود. این منطقه به علت وجود چند رودخانه و تعداد زیادی چشمه‌سارهای زیبا، بسیار سبز و خرم است و هوایی خنک و دلپذیر دارد. از نظر بافت جمعیتی، اکثر ساکنان این منطقه را درزیها که شاخه‌ای از اسماعیلیه هستند تشکیل می‌دهند، اما اقلیتهای مسیحی نیز در بسیاری از شهرها و روستاها وجود دارند.

یکی از زیباترین شهرهای این کوهستان شهر تاریخی «دیر القمر» است که زمانی امیرنشین بوده و موقعیت سیاسی مهمی داشته است. معماری این شهر، در دامنه کوهستان با خانه‌های سنگی و سقف شیروانی سفالی به رنگ قرمز، بسیار زیبا و چشمگیر است. میدان اصلی شهر قدمت تاریخی آن را نمایش می‌دهد. ساختمان شهرداری زمانی بخشی از دارالحکومه بوده و در گوشه دیگر میدان، مسجدی است که نمازگزاران زیادی ندارد و تنها از اسلامی بودن این شهر در قرون گذشته حکایت می‌کند. و بالاخره در وسط میدان شهر، چشمه‌ای هست که آب گوارای آن از اطراف یک حوض سنگی فوران می‌کند و مورد استفاده اهالی و رهگذران قرار می‌گیرد.

از «دیر القمر» که بگذریم به قلعه موسی می‌رسیم که قلعه‌ای است ساخته شده به سبک قلاع قدیمی و بسیار زیبا. این قلعه در واقع یک موزه مردم‌شناسی است که سازنده آن آقای موسی معماری است که با همسرش در همین جا زندگی می‌کنند. اطراف قلعه خندقی با ماهیهای قرمز به چشم می‌خورد و پلی که در واقع دروازه قلعه است و با زنجیر قابل جمع شدن است.

در دلانهای تنگ داخل قلعه، زندگی روستاییان این منطقه به ویژه همزیستی، درزیها و مسیحیان با مجسمه‌های شمع در محیطی زنده و متحرک نمایش داده می‌شود. در جایی دیگر کلکسیون کاملی از تپانچه‌ها و جنگ افزارهای قدیمی و لوازم خانگی متعلق به یک قرن پیش توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌کند.

آقای موسی معماری، سازنده این قلعه که غبار سالهای زندگی بر سر و رویش نشسته با گرمی و

شوخی با مهمانان ایرانی برخورد می‌کند و دربارهٔ ساختن این قلعه و گردآوری اشیاء قدیمی در آن توضیح می‌دهد. معلوم می‌شود که این قلعه و موزه‌های درون آن نتیجه تلاش شخصی وی بوده است. وقتی از انگیزه‌اش سؤال می‌کنیم موضوع بسیار جالبتر می‌شود زیرا معلوم می‌شود که این اقدام نتیجه یک عشق آتشین مربوط به دوران نوجوانی است که معشوق، عاشق بی‌سرو پا را تحقیر می‌کند و از وی که نوجوانی تنگدست است یک قصر قدیمی می‌خواهد اما برای عاشق دلداده هیچ چیز غیر ممکن نیست و لذا همه عمر خود را صرف کار و زحمت برای ساختن چنین قصری می‌کند اما زمانی که همه چیز فراهم می‌آید، عمر سپری شده و دیگر از آن هیجانهای عاشقانه خبری نیست.

موسی معماری در حالی که همسرش در کنارش ایستاده ماجرا را با خنده و شوخی شرح می‌دهد و اصرار دارد که یک تهیه‌کننده ایرانی به اینجا بیاید و از این ماجرا یک فیلم سینمایی تهیه کند.

در انتهای جاده شوف، قصر قدیمی «بیت الدین» قرار دارد که در گذشته محل اقامت تابستانی رئیس جمهوری بوده و حالا به موزه تبدیل شده و برای برگزاری جشنهای فرهنگی و به ویژه در ماههای تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته به دلیل کمبود وقت، روزنامه‌نگاران ایرانی موفق به دیدن قصر بیت الدین نمی‌شوند زیرا با تاریک شدن هوا و آغاز شب مجبورند برای شرکت در جلسات بحث و گفت‌وگوی شبانه به محل اقامت در بیروت برگردند.

سفر به جنوب

در هر دوره هشت روزه یک روز کامل به گشت‌وگذار در جنوب لبنان اختصاص داشته است که از صبح زود آغاز می‌شود. در طول مسیر، اطلاعات لازم درباره اماکن مختلف به مهمانان داده می‌شود. در دو طرف اتوبان جنوب مزارع موز و باغهای مرکبات جلب نظر می‌کند. نخستین ایستگاه زیارت، مزار حضرت یونس پیغمبر در ساحل شهر جیه Jiyeh است. پیامبری که به علت رها کردن قومش به کام نهنگ رفت و به تعبیر قرآن کریم اگر تسبیحش نبود از ظلمات شکم نهنگ خلاصی نمی‌یافت؛ مزاری قدیمی و متروک اما با فضایی بسیار معنوی.

سپس گروه به شهر معروف صیدا می‌رسد و پس از دیدار مختصری از قلعه تاریخی این شهر و بندرگاه قدیمی به سوی شهر نبطیه در قلب جنوب رهسپار می‌شود.

در اینجا نماینده‌ای از سوی مقاومت اسلامی، به عنوان راهنما به گروه می‌پیوندد و در طول راه درباره روشهای مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست به ویژه عملیات شهادت طلبانه داستانها می‌گوید.

اندکی بعد وارد مناطق آزاد شده، می‌شویم. راهنما گروه را به «قلعه شقیف» می‌برد که روی کوه بلندی است، در کنار روستای «ارنون»؛ قلعه‌ای تابستانی که از دوران جنگهای صلیبی بازمانده است. از این قلعه بخش وسیعی از جنوب لبنان تا فلسطین اشغالی و از سوی غرب تا عمق آبهای مدیترانه دیده می‌شود. در بخش شرق که شیب بسیار تند است، رودخانه معروف لیتانی و بستر مارپیچی آن جلب نظر می‌کند. این قلعه اهمیت استراتژیک داشته و در طول تاریخ مورد استفاده ارتشها و جنگاوران قرار گرفته است. در دهه هفتاد قرن گذشته میلادی، این قلعه در اختیار سازمانهای مقاومت فلسطین بود و بارها توسط نیروی اسرائیل بمباران شد. پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و اشغال این کشور، ارتش صهیونیستی، استحکامات مهمی در این قلعه و ارتفاعات اطراف آن به منظور کنترل جنوب لبنان ایجاد کرد. اما رزمندگان مقاومت اسلامی با ضربات خود به این پایگاهها، سرانجام ارتش صهیونیستی را وادار به عقب‌نشینی کردند و حالا این قلعه در اختیار وزارت گردشگری لبنان قرار دارد.

مقصد بعدی شهر «خیام» و شکنجه‌گاه مخوفی است که ارتش صهیونیستی برای بازداشت و شکنجه رزمندگان و مخالفان خود دایر کرده بود و پس از پیروزی مقاومت در ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰ مردم به آن بازداشتگاه هجوم برده و زندانیان را آزاد کردند.

در اینجا فیلمی از عملیات مقاومت برای گروه نمایش داده می‌شود و یکی از برادران که سالها در این بازداشتگاه شکنجه شده، افراد گروه را به بخشهای مختلف راهنمایی می‌کند و در هر بخش درباره انواع شکنجه‌های وحشیانه و غیرانسانی توضیح می‌دهد. افراد گروه در نمازخانه این بازداشتگاه نماز ظهر و عصر را به جا می‌آورند و ناهار را در همین جا صرف می‌کنند.

یکی از گروهها، پس از بازدید از این بازداشتگاه به کناره‌های رودخانه وزانی در چندمتری سنگرهای صهیونیستها رفتند و ناها را در آنجا صرف کردند. راهنما توضیح داد که تا پیش از پیروزی مقاومت، مردم جنوب لبنان حق استفاده از این رودخانه را نداشتند و صهیونیستها مانع از نزدیک شدن افراد لبنانی به این رودخانه می‌شدند و در نتیجه آب گوارای این رودخانه به فلسطین اشغالی می‌رفت تا به مصرف شهرک نشینان صهیونیست برسد. اما اینک مردم از این رودخانه

استفاده می‌کنند و تأسیسات لوله‌کشی آب به راه افتاده و بسیاری از روستاهای اطراف دارای آب آشامیدنی شده‌اند و اسرائیل جرأت تعرض ندارد زیرا می‌داند که هرتجاوزی با واکنش فوری مقاومت روبه‌رو می‌شود. همین توازن باعث شده که جنوب لبنان پس از دهها سال احساس امنیت کامل بکند.

مقصد بعدی، نقطه مرزی با فلسطین اشغالی است، معروف به «دروازه فاطمه» در روستای کفرکلا Kafar Kala در طول مسیر که از کنار سیمهای خاردار مرزی می‌گذریم، شهرکهای صهیونیست‌نشین و سنگرهای ارتش اسرائیل در چند متری خط مرزی دیده می‌شوند. مهمترین این سنگرها در «دروازه فاطمه» است که مردم مرتباً به آنجا می‌آیند و سنگرهای صهیونیستی را با سنگ مورد حمله قرار می‌دهند.

در اینجا آنچه جلب نظر می‌کند دو ستون شبیه ستونهای «رمی جمرات» در منطقه منی در مکه معظمه است که سمبل شیطان هستند و حاجیان بدان سنگ می‌زنند. در اینجا این دو ستون سمبل امریکا و اسرائیل هستند که هر روز بازدیدکنندگان از منطقه مرزی، به نشانه ابراز تنفر و انزجار بدانها سنگ پرتاب می‌کنند.

صور

گروه دیگری از روزنامه‌نگاران اعزامی، پس از بازدید از جنوب لبنان در راه بازگشت به بیروت از شهر معروف و تاریخی «صور» می‌گذرند که آغازگاه حرکت امام موسی صدر و شهید دکتر مصطفی چمران بوده است.

گذرا از صور فرصتی است که گروه با همسر شهید چمران در خانه‌اش دیدار و یاد مجاهدتهای آن شهید را که آغازگر مقاومت در برابر اسرائیل بود زنده کنند. در همین شهر مؤسسات فرهنگی و تربیتی بزرگی توسط امام موسی صدر برای پرورش کودکان شهدا و یتیمان ساخته شده که در حال حاضر توسط خواهر ایشان، خانم رباب صدر اداره می‌شود. در این فرصت، روزنامه‌نگاران ایرانی از بخشهای مختلف این مؤسسات بازدید می‌کنند و تحت تأثیر عظمت این مؤسسات و روشهای مدرن آموزشی و نظم و دقت موجود در اداره امور آن قرار می‌گیرند.

بعلبک

پس از گشت‌وگذار طولانی در مناطق آزاد شده جنوب لبنان یک گروه از روزنامه‌نگاران ایرانی رهسپار منطقه «بقاع» و شهر «بعلبک» در شرق لبنان می‌شود. منطقه بقاع که جمعیت اصلی آن را عشایر شیعه تشکیل می‌دهد، در مقایسه با جنوب لبنان، ویژگیهای خاص خود را دارد. مردمی غیور که در عین فقر بسیار، پیوسته در کنار مقاومت بوده‌اند. اینجا زندگی مردم بیشتر از طریق کشاورزی و دامداری می‌گذرد، اما فقر و درآمد کم، برخی را وادار به کشت غیرقانونی شاهدانه و خشخاش می‌کند.

شهر بعلبک در کنار خود یکی از عظیم‌ترین آثار باستانی را دارد که مربوط به دوره رومی است. معماری عظیم در معبد ژئوس خدای خدایان، و معبد باخوس، خدای شراب از هر نظر چشمگیر است. این آثار همه سال مورد بازدید هزاران نفر از گردشگران بین‌المللی قرار می‌گیرد. در کنار این آثار عظیم، مقبره‌ای به چشم می‌خورد که به امامزاده «خوله» معروف است. می‌گویند به هنگام عبور اسرای کربلا از این نقطه به سمت دمشق، یکی از زنان حرم امام حسین علیه‌السلام دختر بچه‌ای را سقط می‌کند که در اینجا مدفون است. به هر حال، در لبنان که از حرم امامان و امامزادگان خبری نیست، عده‌ای از شیعیان به این مزار می‌آیند و آن را زیارت می‌کنند.

انتخابات پارلمانی

بازدید هیئت‌های مطبوعاتی ایران از لبنان همزمان با بروز تحولات ژرف در این کشور بود. به‌ویژه ترور آقای رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق این کشور در ۲۵ بهمن ۱۳۸۳ و صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت که به خروج نیروهای سوریه از لبنان و بروز رقابت شدید سیاسی بین جناحهای سیاسی و مذهبی در لبنان انجامید. در این رشته تحولات، انجام انتخابات پارلمانی در خردادماه ۱۳۸۴ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود زیرا برای نخستین بار پس از حدود سه دهه، انتخابات بدون حضور ارتش سوریه انجام گرفت. در عین حال با توجه به اهمیت تحولات آینده در لبنان جناحهای سیاسی با ائتلافهای گسترده سعی داشتند هر چه بیشتر کرسیهای پارلمان را به خود اختصاص دهند تا با بهره‌گیری از راهکارهای دموکراتیک مسیر تحولات را در جهت اهداف خود سوق دهند.

انتخابات در جنوب

بازدید یک گروه از روزنامه‌نگاران ایرانی از جنوب لبنان مصادف با روز انجام انتخابات در این منطقه بود که اکثریت ساکنان آن را مسلمانان شیعه تشکیل می‌دهند. ائتلاف دو قدرت اصلی سیاسی در صحنه جامعه شیعی لبنان یعنی «جنبش امل» و «حزب‌الله» و فهرست مشترکی که از سوی این ائتلاف ارائه شده بود، راه را بر همه رقیبان بسته بود و واضح بود که این فهرست اکثریت آراء را در اختیار خواهد داشت.

هیأت مطبوعاتی ایران در شهر «نبطیه» در مرکز جنوب لبنان از دفتر منطقه‌ای جنبش امل بازدید کرد که مورد استقبال حاج خلیل حمدان و حاج جمیل حایک و تنی دیگر از مسئولان این جنبش در جنوب قرار گرفت. هیئت همچنین از ستاد انتخاباتی حزب‌الله در نبطیه بازدید کرد. در حوزه‌های رأی‌گیری نیز ازدحام جمعیت و فعالیت شدید نمایندگان امل و حزب‌الله چشمگیر بود. فضای تبلیغاتی همراه با توزیع عکس و پوستر و اتومبیل‌های گشت که با بلندگو مردم را به شرکت در انتخابات و انداختن لیست ائتلاف شیعی در صندوقها دعوت می‌کردند همه را هیجان زده می‌کرد.

نکته جالب، در این میان، روابط بسیار دوستانه بین اعضاء و افراد وابسته به حزب‌الله و امل بود که پس از سالها رقابت، اینک در کنار یکدیگر برای رسیدن به یک هدف، یعنی خنثی کردن طرح امریکا در لبنان تلاش می‌کردند. نتیجه این تلاش برنده شدن فهرست ائتلاف با آرای بسیار بالا بود.

انتخابات در طرابلس

آخرین دور انتخابات پارلمانی لبنان در ۲۸ خردادماه ۱۳۸۴ در منطقه شمال لبنان انجام گرفت. هیئت مطبوعاتی ایران برای اطلاع از نحوه انجام انتخابات، از شهر طرابلس، مرکز شمال لبنان بازدید کرد. طرابلس شهری است تاریخی در ساحل مدیترانه که اکثر ساکنان آن را مسلمانان سنی تشکیل می‌دهند. اما مناطق اطراف آن غالباً مسیحی هستند.

این دیدار همچنین فرصتی بود تا مهمانان از دفتر «حرکت توحید اسلامی» در این شهر بازدید و با رئیس آن، شیخ بلال شعبان ملاقات و گفت‌وگو کنند.

شهر طرابلس در این روز آرام و قرار نداشت، در حوزه‌های انتخاباتی انبوه جمعیت به چشم

می خورد. اغلب این افراد، مبلغان وابسته به احزاب و ائتلافهای سیاسی بودند که با اصرار زیاد فهرستهای موردنظر خود را به رأی دهندگان می دادند و از آنها می خواستند که این فهرستها را به صندوق بیندازند. هر گروه و ائتلاف سیاسی رنگ مشخصی را برای افراد خود انتخاب کرده بود و مبلغان هر ائتلاف، تی شرتها و کلاههایی با همان رنگ پوشیده بودند.

انتخابات در طرابلس سرنوشت ساز بود و ترکیب پارلمان را مشخص می کرد. ائتلاف جناح حریری با چند خانواده مهم طرابلسی و نیز با جناح سمیر جعجع از مسیحیان مارونی، فعالیت شدیدی را به عمل می آوردند. گفته می شد که این ائتلاف حدود ۶۰ میلیون دلار در انتخابات شمال لبنان هزینه کرده است. در مقابل تعدادی دیگر از نیروهای سیاسی، از جمله برخی از اسلامگرایان با جناح مسیحی میشل عون، ائتلاف کرده بودند، که در جای خود بسیار پرمعنی و شگفت انگیز می نمود. ستادهای انتخاباتی به شدت فعال بودند. هیئت ایرانی از ستاد جریان میشل عون بازدید کرد. مسئولان این ستاد توضیح دادند که سخت قانونگرا و معتقد به دموکراسی و تغییر هستند و تنها گروهی اند که یک برنامه کامل برای اصلاحات در لبنان ارائه داده اند در حالی که دیگران از روشهای کم ارزش تبلیغاتی برای جذب رأی دهندگان استفاده می کنند.

به هر حال، در این انتخابات فهرست پیشنهادی جناح آقای حریری برنده شد و بدین ترتیب این جناح توانست بزرگترین فراکسیون پارلمانی را تحت عنوان «فراکسیون آینده» تشکیل دهد.

پایان سفر

... و بالاخره سفر رو به پایان می رود. در آخرین شب جلسه ای به منظور ارزیابی سفر در هتل محل اقامت تشکیل می شود تا نظرات مهمانان پیرامون نقاط قوت و ضعف برنامه ها پرسیده شود. علاوه بر بحثهای شفاهی، پرسشنامه ای بین مهمانان توزیع می شود تا با پاسخگویی به سوالات مطرح شده و نوشتن پیشنهادها و انتقادات، به برنامه ریزان در بهبود کار برای سفرهای آینده کمک کنند.

جمع بندی نظرات نشان دهنده رضایت مهمانان است. بسیاری از مهمانان معتقدند که برنامه ها بسیار مفید بوده و اغلب تأکید می کنند تصویری که از لبنان و حوادث این کشور در ذهن داشته اند، پس از این سفر به کلی تغییر کرده و اینک با دید تازه ای مبتنی بر واقعیت به تحولات لبنان و منطقه می نگرند. □